

متن پرسش

با عرض سلام واحترام خدمت استاد عزیز: استاد تکه ایی از متن یک کتاب خدمت حضوراتان می‌گردد خواهشمند است در رابطه ی با نوع فکر ارئه شده در این متن اظهار نظر فرمایید، با کمال تشکر:

مغزهای کوچک زنگ زده بگذارید اول نگاه کنیم که در دنیا چه تغییری رخ داده. بعد می آییم سراغ خودمان. قبلا شرکت های بزرگ واحدهای تحقیق و توسعه داخلی داشتند و به آن می بالیدند و البته مزیت رقابتی شان هم بود. مثلا شرکت آی.بی.ام (که برادر بزرگ صنعت فناوری اطلاعات جهان محسوب می‌شود) تحقیقات سنگین انجام می داد و سود خوبی هم می کرد. اما امروزه داستان عوض شده است! شرکت‌های پیشرو در کنار تحقیق و توسعه داخلی، توجه زیادی به بیرون دارند. بد نیست یک نمونه را با هم بررسی کنیم: شرکت لوسنت تکنولوژی مالک بیشترین سهام آزمایشگاه‌های تحقیقاتی بل پس از جدا شدن از شرکت ای.تی.اند.تی (AT&T) بود. قرن بیستم، آزمایشگاه‌های تحقیقاتی بل قطعا برترین واحد تحقیقات در صنایع تجهیزات مخابراتی بود. اما شرکت دیگری وجود داشت به نام سیسکو! سیسکو فاقد آزمایشگاه‌های مدرن و قابلیت‌های درونی تحقیق و توسعه مانند آزمایشگاه‌های بل بود رقابتی بسیار نزدیکی با شرکت لوسنت داشت و گاهی از این شرکت پیشی می‌گرفت. هر دو شرکت سیسکو و لوسنت در یک صنعت فعالیت می‌کردند اما دارای استراتژی‌های متفاوتی در زمینه نوآوری بودند. شرکت لوسنت منابع عظیمی از ظرفیت‌های خود را به تحقیق و توسعه داخلی (همه چیز را خودم تولید کنم) بود. اما آن طرف سیسکو استراتژی متفاوتی داشت، این شرکت هر فناوری را که نیاز داشت از خارج از مجموعه خود بدست می‌آورد که عموما حاصل همکاری با یا خرید شرکت های کوچک فناور بود. از قضا برخی از همین شرکت ها توسط کارکنان قدیمی شرکت لوسنت راه‌اندازی شده بودند (سایت تجاری سازی فناوری نانو مچ). آنچه خواندیم نمونه از نوآوری باز است. نوآوری باز به زبان ساده این است که ما در جستجوی نوآوری در سطح محصولات، فرآیندها و کسب و کار هستیم. همه این نوآوری ها که به ذهن/عقل ما نمی رسد! همچنین نمی‌توانیم همه ایده های نوآورانه را عملیاتی کنیم. پس مرزها را باز می کنیم و با دیگران همکاری می کنیم. این می شود هم آفرینی! دو نوع نوآوری باز وجود دارد: □□ نوآوری باز از داخل به بیرون: ایده و دانش از درون مجموعه شما به بیرون منتقل و منجر به نوآوری می شود. □□ نوآوری باز از بیرون به درون: ایده و دانش، از بیرون به داخل جذب می‌شوند. □ در نوآوری بسته همه کارها درون مجموعه و توسط خود مجموعه انجام می شود. شما در نوآوری باز می توانید با گروه های زیر همکاری کنید و نوآوری ایجاد کنید: مصرف‌کننده‌ها و مشتری‌ها؛ تأمین‌کننده‌ها؛ دانشگاه‌ها و سازمان‌های تحقیقاتی؛ رقبا؛ مخترعین؛

استارت‌آپ‌ها و مشاوران تکنیکی. □ نوآوری باز یعنی باز کردن مرزها برای همکاری با دیگران برای هم آفرینی در محصولات، فرایندها و کسب و کارها با و از طریق دیگران. □ یک یادآوری مهم: قرار نیست همه امور را از طریق نوآوری باز پیش ببریم. در برخی حوزه‌ها و زمینه‌ها، قطعاً باید از همان روش نوآوری متعارف (یا به اصطلاح بسته) استفاده کرد. *تجویز راهبردی: □ وقتی شما مرزهای سازمان و کشور را می‌بندی، وقتی با دیگران، تبادل ایده و نوآوری و فناوری نداری، وقتی در کلوب بزرگان دنیا عضویت نداری، وقتی تمام انتصابات از دور و بری هایت است. وقتی درب اتاقت، سازمانت و دانشگاهت را به روی دیگران می‌بندی، بعد از مدتی هر چقدر هم باهوش باشی می‌شوی یک *«مغز کوچک زنگ زده»*. اندازه مغز ما، به اندازه جهان ماست. دقیق‌تر بگوییم: وسعت فهم ما به اندازه وسعت شبکه ماست. شبکه کوچک، مغز کوچک تولید می‌کند. وقتی با استارت‌آپ‌ها، های‌تک‌ها، بیگ‌تک‌ها، زنان و مردان بزرگ تعامل نمی‌کنی، زنگ می‌زنی! □ بسیاری را به دلایل امنیتی و غیرامنیتی و ایدئولوژیک کنار می‌گذاریم. محدود مواردی هم که ما می‌خواهیم با آن‌ها ارتباط برقرار کنیم به خاطر تحریم‌ها پذیرفته نمی‌شویم. □ چند دانشگاه «واقعا» بین‌المللی در ایران داریم؟ چند استاد غیرایرانی جهان‌تراز در ایران فعالیت می‌کنند؟ چند پروژه مشترک تحقیقاتی جدی با ده شرکت های‌تک دنیا داریم؟ چند شرکت ایرانی در بازارهای بورس جهانی لیست شده‌اند (پذیرفته شده‌اند)؟ کدامیک از ده شرکت برتر جهان در ایران کارخانه، آموزشگاه، آزمایشگاه اصلاً نه یک کارگاه ساده صد نفره دارند؟ □ جواب همه این سوالات آیا عددی غیر از «صفر» است؟ سخت امیدوارم که باشد! این ایده بیمارگونه که همه چیز را خودمان اختراع و تولید کنیم بسیار خطرناک است. قرار نیست همه چیز را خودمان تولید کنیم. اصلاً در ۹۵٪ موارد مهم نیست که چه چیزی را خودمان تولید کنیم. مهم این است که منفعتش به جیب چه کسی می‌رود؟ جهان تغییر کرده و مغزهای کوچک زنگ زده هر روز که دیرتر غار تنهایی خود را ترک کنند، بیشتر عقب می‌مانند. *سرآغاز نوآوری باز، ذهن باز و مغز باز است!*

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین‌طور است که نباید در محدوده فکر و فهم خود متوقف شد و همچون طالبانیسم، دیگری را چه از نظر فکر و چه از نظر علم به حساب نیاورد و به نظر بنده هنر انقلاب اسلامی نیز در همین است که در عین حضور در جهان، بنا ندارد به بهانه حضور در جهان خود را ذیل استکبار معنا کند و بعضاً عده‌ای به بهانه حضور در جهان، طوری حضور ما را برنامه‌ریزی می‌کنند که عملاً مانند کره جنوبی ذیل جهان استکباری قرار می‌گیریم که حتی اختیار معامله با کشور مستقلی مثل ایران ندارد. موفق باشید